

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# احكام جهاد

دوره، مبحث، شماره نازدهم

دوره هفتم، شماره پانزدهم / ۳

نام جزوه: احکام جهاد

نویسنده: هیأت تحریریه موسسه درراه حق

ناشر: موسسه درراه حق

نوبت چاپ: مکرر

تاریخ چاپ: ۱۳۹۷ هـ ش

چاپخانه: سلمان فارسی

نشانی: قم، خیابان آیت‌الله مرعشی نجفی (ارم)

کوچه ۲۰ - پلاک ۱۰ - موسسه درراه حق

تلفن: ۲-۳۷۷۴۳۲۲۱ (۰۲۵)

[www.darrahehaq.com](http://www.darrahehaq.com)

سامانه پاسخگویی پیامکی: ۱۰۰۰۲۲۲۳۳۳

رایگان

## فهرست مطالب

- پیش گفتار..... ۵
- جهاد در ماه های حرام..... ۱۱
- موارد استثنا..... ۱۷
- عذر بدتر از گناه..... ۲۱
- شرکت افراد نابالغ در جنگ..... ۲۴
- تعلیمات نظامی برای زن ها..... ۲۸
- جهاد با نهی پدر و مادر..... ۳۴
- رفتن به جبهه جنگ با وجود بدهکاری..... ۳۸
- جهاد و حقوق همسر..... ۴۷
- وظیفه حج و جهاد..... ۴۸

دوره هفتم، شماره پانزدهم / ۵

## پیش گفتار

پس از سالیان دراز ذلت و اختناق و شکنجه در سیاه چال های زندان ها، و با انحراف کشیده شدن مسیر اجتماعی و به یغما رفتن ثروت های مادی و معنوی و مخالفت و نقص صریح احکام اسلام به دست عمال آمریکا و سایر ابرقدرت ها در ایران، و در رأس آن ها عروسک دست نشانده و غلام حلقه به گوش امریکا محمدرضا پهلوی.

و پس از توجه حق تعالی به این امت مظلوم و ستمدیده برانگیختن انسانی وارسته و رهبری شایسته از تبار ابراهیم و از سلاله نبوت حضرت آیه الله العظمی امام خمینی (رحمه الله)؛ و پس از نهضت اسلامی همه اقشار ملت به ویژه روحانیت آگاه و

مسئول، به رهبری فقیهانه رهبر کبیر انقلاب و نه‌راسیدن ملت مسلمان ایران از زندان، شکنجه و مرگ و مصادره اموال، و آرزوی شهادت و قربانی شدن هزاران زن و مرد و کوچک و بزرگ و جوان و پیر؛ این انقلاب به پیروزی رسید و رژیم پنجاه ساله دودمان کثیف پهلوی سقوط کرد و دست آمریکا و سایر ابرقدرت‌ها از ایران کوتاه شد.

ولی دشمن اصلی و زخم خورده، که تاب تحمل و از دست دادن آن همه نفوذ و قدرت و منافع سرشار مادی خود را ندارد دست از توطئه و طرح علیه این انقلاب بر نمی‌دارد، و هر روز از راهی سعی و تلاش می‌کند تا شاید بتواند جای پای پیدا

دوره هفتم، شماره پانزدهم / ۷

کند و بار دیگر آبِ رفته را به جوی خویش باز گرداند.

طرح ها و توطئه های خائنانه آمریکا در راه تحقق بخشیدن به هدف پلید خود یکی پس از دیگری به مرحله اجرا در می آید و دشمن همیشه در تلاش است؛ در روزهای اوّل انقلاب، دشمن به بعضی از افراد دل بست که در رأس امور قرار گرفته بودند و از خود تمایل به آمریکا را بروز می دادند، ولی امواج خروشان انقلاب این گونه افراد را از صحنه قدرت و سیاست بیرون راند و امید آنان را به یأس و ناامیدی تبدیل کرد، از این رو، دشمن برای ضربه زدن به این انقلاب دست به تحریم اقتصادی و حمله نظامی و تحریک عناصر منافق داخلی زد و

اقدام به کودتا و به راه انداختن تبلیغات دامنه دار رژیم جمهوری اسلامی ایران نمود، و از هیچ یک از این اقدامات نیز باری نبست و با شکست مواجه گردید؛ تنها راهی که برای دشمن باقی مانده بود تحریک کشورهای همجوار برای ابراز خصومت و دشمنی و وارد شدن در درگیری مرزی و جنگ با ایران بود که برای این کار کسی را شایسته تر از صدام عفلقی، دیکتاتور بغداد ندید؛ چون هم احمق و نادان بود و هم مغرور و خودخواه و متکبر و جاه طلب، به خصوص وقتی که از بودجه کلان نفت، مهمّات زیادی اندوخته، آمادگی نظامی و رزمی دیده بود و ارتش ایران را از هم پاشیده و متلاشی و در نهایت ضعف می انگاشت و از طرف دیگر از قیام



دوره هفتم، شماره پانزدهم / ۹

مجاهدین اسلامی عراق به رهبری آیت الله صدر و دیگر روحانیون مبارز به هراس افتاده بود و می ترسید و سرنوشتی، چون سرنوشت شاه ایران مبتلا شود صدام به خیال این که در مدت یک هفته کار این جنگ را تمام می کند و به صورت ژاندارم آمریکا در خاورمیانه در می آید، خود را درگیر این جنگ نمود و در باطلاق های خوزستان فرو رفت، و پس از آن بیرون رانده شد و اکنون فریاد عجز و استمدادش بلند است و افرادی چون شاه حسین اردنی و ملک خالد و فهد در کشور سعودی و حسنی مبارک در مصر و بعضی از حکام مرتجع خلیج باو کمک می کردند، ولی این کمک ها به حالش فایده نکرد و هر روز که از جنگ می گذشت سقوط و

نابودی او نزدیک تر می شد، و امروز همه ی دست اندرکاران جنگ تحمیلی از تحمیل جنگ پشیمانند و می ترسند این جنگ به قیمت نابودی آنان در منطقه تمام شود.

این جنگ تحمیلی رژیم جمهوری اسلامی ایران را مستحکم تر و استوارتر نمود و اسلام را به عنوان یک نیروی مافوق تمام نیروهای مادی معرفی کرد، و اگر چه خسارت های مادی برای ایران به همراه داشت.

چندین سال است. که از این جنگ می گذرد و هر روز درس های جدیدی در میدان علم و عمل به مسلمانان می آموزد و مجاهدان را با مسائل تازه ای روبرو می سازد؛ قسمتی از این مسائل که در ابعاد و

دوره هفتم، شماره پانزدهم / ۱۱

جهات گوناگونی قرار داشت مربوط به احکام فقهی جهاد است؛ و مؤسسه در راه حق از نظر ضروری بودن این مسائل قسمت عمده ای از آن را به خوانندگان محترم عرضه می نماید تا قدمی در راه آگاهی و بینش اسلامی هر چه بیشتر باشد.

۱ - جهاد در ماه های حرام. ۲ - شرکت افراد

نا بالغ در جنگ. ۳ - تعلیمات نظامی برای زن ها.

۴ - جهاد با نهی پدر و مادر. ۵ - جهاد در برابر

مطالبه طلبکار. ۶ - جهاد و حقوق همسر. ۷ - جهاد در

مقابل فریضه حج.

### جهاد در ماه های حرام

سؤال ۱: اصولاً جنگ در ماه های چهارگانه

ذی القعدة، ذی الحجّة، محرّم و رجب حرام است،

بنابراین چرا وقتی حاکم بغداد تقاضای صلح و متارکه جنگ را مخصوصاً در ماه های حرام می کند، رژیم جمهوری اسلامی این تقاضا را نمی پذیرد و به جنگ ادامه می دهد.

**جواب:** در پاسخ این سؤال باید گفت: اگر چه اصل مطلب یعنی حرمت جنگ در ماه های حرام با توجه به موازین اسلامی ثابت و جای هیچ گونه تردید و ابهام نیست، ولی این حرمت مربوط به کسانی است که جنگ را در ماه های حرام آغاز می کنند اما آنان که بعنوان دفاع و جلوگیری از تجاوز در ماه های حرام برمی خیزند شامل آنان نمی شود، همان طور که قرآن کریم این مطلب را به روشنی بازگو کرده و می فرماید:

دوره هفتم، شماره پانزدهم / ۱۳

«الشَّهْرُ الْحَرَامُ بِالشَّهْرِ الْحَرَامِ وَالْحُرُمَاتِ  
قِصَاصٌ فَمَنْ اعْتَدَى عَلَيْكُمْ فَاعْتَدُوا عَلَيْهِ بِمِثْلِ مَا  
اعْتَدَى عَلَيْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ  
الْمُتَّقِينَ»<sup>۱</sup>

ماه حرام در برابر ماه حرام (اگر دشمنی در  
ماه های حرام بر شما تجاوز کرد می توانید مقابله  
کنید) و برای شکستن حرمت ها قصاص است، پس  
هر کس بر شما تجاوز کرد شما نیز مانند او بر او  
بتازید و پرهیزکار باشید و بدانید که خداوند با  
پرهیزکاران است».

در روایات نیز پاسخ این اشکال ذکر شده، در  
روایتی چنین آمده است:

«عَنْ الْعَلَاءِ بْنِ الْفُضَيْلِ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ  
 الْمُشْرِكِينَ أَيَّبَدَابِهِمُ الْمُسْلِمُونَ بِالْقِتَالِ فِي الشَّهْرِ  
 الْحَرَامِ؟ فَقَالَ إِذَا كَانَ الْمُشْرِكُونَ يَبْتَدُونَ نَهْمًا بِاسْتِحْلَالِهِ  
 ثُمَّ رَأَى الْمُسْلِمُونَ أَنَّهُمْ يُظْهِرُونَ عَلَيْهِمْ فِيهِ وَذَلِكَ  
 قَوْلُ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ «الشَّهْرُ الْحَرَامُ بِالشَّهْرِ الْحَرَامِ وَ  
 الْحُرْمَاتِ قِصَاصٌ» وَالرُّومُ فِي هَذَا بِمَنْزِلَةِ  
 الْمُشْرِكِينَ لِأَنَّهُمْ لَمْ يَعْرِفُوا لِلشَّهْرِ الْحَرَامِ حُرْمَةً وَ  
 لِأَحْقًا، فَهُمْ يَبْدُونَ بِالْقِتَالِ فِيهِ وَكَانَ الْمُشْرِكُونَ  
 يَرَوْنَ لَهُ حَقًّا وَحُرْمَةً فَاسْتَحْلَوْهُ فَاسْتَحِلَّ مِنْهُمْ، وَ  
 أَهْلُ الْبَغْيِ يَبْتَدُونَ بِالْقِتَالِ»<sup>١</sup>.

دوره هفتم، شماره پانزدهم / ۱۵

شخصی به نام علاء بن الفضیل می گوید: درباره  
مشرکان سؤال کردم که آیا مسلمانان در ماه های  
حرام جنگ را علیه آنان آغاز کنند؟

فرمود: «زمانی که مشرکان حرمت ماه های  
حرام را رعایت نکنند و دست به جنگ بزنند و  
مسلمانان ببینند که آنان غلبه پیدا می کنند مانعی  
ندارد و این مطابق قول خدای متعال است که فرمود:  
«الشَّهْرُ الْحَرَامُ بِالشَّهْرِ الْحَرَامِ وَالْحُرُمَاتُ قِصَاصٌ» و  
مردم روم در این جا به منزله مشرکانند، زیرا آنان  
حرمت ماه های حرام و حق آن ها را نشناختند و  
آنان در ماه حرام شروع به جنگ کردند و با آن که  
مشرکین برای ماه های حرام حق و حرمتی قائلند،  
پس چون آنان جنگ را عملاً روا داشتند جنگ با

ایشان جایز گردید و اهل فساد و تجاوز به غیر حق در ماه های حرام جنگ را آغاز می کنند.

بنابراین معیاری که در آیه و روایت گذشته برای تجویز جنگ بیان گردید شروع و آغاز جنگ از طرف دشمن است، و هیچ کس در این زمینه شک ندارد که سپاه مزدور بعث عراق به دستور صدام علفی جنگ تمام عیار را در ۵۹/۶/۳۱ مطابق با ۱۳/ ذی القعدة که ماه حرام است علیه ایران آغاز کرد، و هواپیماهای عراق ناگهان به حدود فضائی ایران تجاوز کردند و فرودگاه مهرآباد را بمب باران نمودند و خسارت هایی را وارد ساختند.

در این صورت، آن کس حرمت ماه های حرام را نقض کرده است که این جنگ را آغاز کرده و در



دوره هفتم، شماره پانزدهم / ۱۷

مورد دفاع از حمله دشمن هیچ دلیلی بر حرمت نیست، بلکه به اقتضای ادله وجوب دفاع، دفاع واجب و لازم است.

### موارد استثنا

توضیح پاسخ گذشته را به طور مشروح تر می توان تحت عنوان موارد استثنای جنگ در ماه های حرام بیان داشت؛ و آن این که فقهای عظام مانند صاحب شرایع و جواهر بدون هیچ اختلافی در این زمینه از آیات و روایاتی چون روایت گذشته استفاده کرده اند که جنگ در ماه های حرام در موارد استثنائی زیر جایز است:

۱ - وقتی جنگ از ناحیه دشمن آغاز شود؛

خواه طرف مقابل مسلمان باشد و یا مشرک، و در این

صورت جهاد به عنوان دفاع انجام می گیرد و این عملی است که بارها بوسیله پیامبر اسلام و مسلمانان صدر اسلام انجام شده و علاوه بر دلیل عقلی و آیات و روایات، تاریخ و سیره پیامبر (صلی الله علیه و آله) نیز آن را اثبات کرده است.

۲ - مسلمانان پس از پایان یافتن جنگ به عنوان قصاص، در شکستن حرمت ماه حرام می توانند یک بار در ماه های حرام ناگهان بر آنان یورش برند و آنان را مورد تجاوز، همانند تجاوز آنان قرار دهند؛ و این مطابق آیه شریفه گذشته است که فرموده: «وَالْحُرْمَاتِ قِصَاصٌ فَمَنْ اِغْتَدَى عَلَیْكُمْ فَاغْتَدُوا عَلَیْهِ بِمِثْلِ مَا اِغْتَدَى عَلَیْكُمْ» برای حرمت ها قصاص است، پس کسی که بر شما تجاوز کرد شما

دوره هفتم، شماره پانزدهم / ۱۹

نیز مقابله به مثل کنید. در سال ششم هجری از ورود پیامبر اسلام (صلی الله علیه وآله) و مسلمانان به مکه جلوگیری به عمل آوردند و برای این کار اقدام به جنگ و خونریزی نمودند در مقابل این نقص حرمت، خداوند در سال نهم هجری به پیامبر (صلی الله علیه وآله) اجازه داد که در ذی القعدة برای انجام مراسم عمره وارد مکه شوند و اجازه داد که برای رفع ممانعت از آنان، اقدام به جنگ و مبارزه مسلحانه شود، و در این مطلب نیز هیچ گونه اختلافی بین فقهای اسلام نیست.

۳ - افراد و گروه هایی که برای ماه های حرام حرمتی قائل نیستند و فرقی بین ماه های حرام و غیر حرام نمی گذارند جنگ با آنان در ماه های حرام

هیچ اشکال ندارد، بنابراین حرمت ماه های حرام و امنیت در آن ها مخصوص کسانی است که برای ماه های حرام حرمت قائل باشند، صاحب جواهر در این باره فرموده است:

«وَيَحْرُمُ الْغَزْوُ فِي أَشْهُرِ الْحَرَامِ وَ هِيَ رَجَبٌ وَ ذُو الْقَعْدَةِ وَ ذُو الْحِجَّةِ وَ الْمَحْرَمُ إِلَّا أَنْ يَبْدَأَ الْخَصْمُ أَوْ يَكُونَ مِمَّنْ لَا يَرَى لِلأشْهُرِ حُرْمَةً بِلَا خِلَافٍ أَجْدُهُ فِي شَيْءٍ مِنْ ذَلِكَ...»<sup>۱</sup>.

جنگ در ماه های حرام است و ماه های حرام عبارت است از رجب و ذی القعدة و ذی الحجة و محرم، مگر آن که دشمن شروع به جنگ کند یا آن که دشمن از کسانی باشد که برای ماه های حرام

دوره هفتم، شماره پانزدهم / ۲۱

احترامی قائل نباشد، و در این مطلب هیچ اختلافی  
من نیافتم.

چنان که در روایت «علاء بن الفضیل» آمده بود  
«وَالرُّومُ فِي هَذَا بِمَنْزِلَةِ الْمُشْرِكِينَ، لِأَنَّهُمْ لَمْ يَعْرِفُوا  
لِلشَّهْرِ الْحَرَامِ حُرْمَةً وَلَا حَقًّا فَهُمْ يَبْتَدِئُونَ بِالْقِتَالِ  
فِيهِ» مردم روم در این حکم مانند مشرکان هستند،  
چون برای ماه حرام احترامی و حقی قائل نیستند،  
از این جهت در ماه حرام شروع به جنگ می کنند.

عذر بدتر از گناه

با توجه به توضیحات گذشته روشن شد که در دفاع  
مقدس سربازان اسلام در برابر تجاوزات وحشیانه  
صدام آمریکائی به حریم مقدس اسلام، قرآن، مال،  
جان و ناموس مسلمانان جای هیچ گونه شبهه و

تردیدی نیست، اما تعجب آور است که حاکم بغداد و سپاهیان وی از هیچ جنایتی فروگذار نمی کنند؛ افراد غیر نظامی از زن و مرد و کودک خردسال را مورد حملات وحشیانه قرار می دهند و بر سر آنان بمب های آتش زا فرو می ریزند و آنان را به فجیع ترین وجهی می کشند و خانه های آنان را خراب می کنند و آنان را از وطن خود آواره می سازند و یا آنان را به اسیری می گیرند و به نوامیس مردم تجاوز می کنند، با این همه جنایت، حال که در ورطه هلاکت و سقوط قرار گرفته اند دست به هر حيله و نیرنگی می زنند تا خود را از این جهنمی که به دست خود برای خود به وجود آورده اند برهانند! مثل آنان درست مثل کفار و

دوره هفتم، شماره پانزدهم / ۲۳

بت پرستان صدر اسلام است که برای خاموش کردن فروغ اسلام دست به هر جنایتی می زدند و سعی می کردند بر سپاهیان اسلام خورده گیری کنند که اینان حرمت ماه های حرام را رعایت نمی کنند، قرآن کریم درباره آنان می فرماید:

می گوید: «يَسْأَلُونَكَ عَنِ الشَّهْرِ الْحَرَامِ قِتَالٍ فِيهِ قُلْ: قِتَالٌ فِيهِ كَبِيرٌ وَ صَدٌّ عَن سَبِيلِ اللَّهِ وَ كُفْرٌ بِهِ وَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَ إِخْرَاجُ أَهْلِهِ مِنْهُ أَكْبَرُ عِنْدَ اللَّهِ وَ الْفِتْنَةُ أَكْبَرُ مِنَ الْقَتْلِ وَ لَا يَزَالُونَ يُقَاتِلُونَكُمْ حَتَّى يَرُدُّوكُمْ عَن دِينِكُمْ إِنِ اسْتَطَاعُوا...»<sup>۱</sup>.

(ای پیامبر، مشرکان) درباره حرمت ماه حرام از تو سؤال می کنند، بگو: کشتار در آن «گناه بزرگی

است ولی جلوگیری از راه خدا و کفر او و مسجد الحرام و بیرون راندن اهل آن از آنجاگناهاش در نزد خدا بزرگتر است و فتنه بزرگتر است از کشتن ( که از مسلمانان اشتباهاً در ماه حرام بوقوع پیوسته) و آنان پیوسته با شما کشتار می کنند تا اگر بتوانند شما را از دین و آئینتان برگردانند.<sup>۱</sup>

### شرکت افراد نابالغ در جنگ

**سوال ۲:** جهاد تنها بر مکلفین واجب است و یکی از شرایط تکلیف بلوغ است، بنابراین چرا اجازه داده می شود که نوجوانان نابالغ در سن دوازده و یا سیزده سال در این جنگ شرکت کنند تا جایی که تا آخرین مرحله ایثار و فداکاری قدم گذارده و با بستن

---

۱. تفسیر شبر.



دوره هفتم، شماره پانزدهم / ۲۵

نارنجک به خود و رفتن زیر تانک دشمن،  
بزرگ ترین ضربه را به دشمن وارد آورند.

جواب: در پاسخ این ایراد باید بگوییم درست  
است که تمام تکالیف شرعی متوجه کسانی است که  
به حدّ بلوغ رسیده باشند و افراد نا بالغ اعم از  
خردسالان و یا دیوانگان، مکلف به هیچ تکلیفی از  
جانب شرع مقدّس اسلام نیستند و این متّی است که  
قانون گذار مقدّس اسلام بر آن ها نهاده و  
سخت گیری و الزام را از آنان برداشته است.

و این مطلب علاوه بر آن که مورد اتّفاق جمیع  
علماء اسلام است، طبق حدیث معروفی است که از  
پیامبر اسلام (صلی الله علیه وآله) نقل شده است که  
فرمود: «رُفِعَ الْقَلَمُ عَنِ الصَّبِيِّ حَتَّى يَحْتَلِمَ وَ عَنِ

المَجْنُونِ حَتَّى يَفِيْقَ» قلم تکلیف از نا بالغ برداشته شده تا وقتی که بالغ شود و هم چنین از دیوانه تا وقتی که بیماری جنون وی بر طرف و عاقل شود.

اما در عین حال که الزام و تکلیفی بر افراد نا بالغ نیست، اعم از آن که تکلیف، دستور جهاد باشد یا دستور دفاع ولی نوجوانانی که به حدّ تمیز رسیده اند و خوب و بد و مفاهیم اسلامی را تشخیص می دهند حق دارند که در صحنه جهاد و دفاع شرکت کنند و از این فیض عظیم الهی بهره برند.

مخصوصاً وقتی که صحنه، صحنه دفاع باشد، و هر موجودی فطرتاً برای خود حق دفاع قائل است و

دوره هفتم، شماره پانزدهم / ۲۷

شارع مقدّس اسلام نیز از این حکم عقل فطری  
جلوگیری نکرده است.

علاوه بر این که روش عمل اباعبدالله  
الحسین (علیه السلام) در نبرد کربلا روشنگر جواز این  
مطلب است، بنابراین، اطفال را نمی توان اجبار کرد  
که در میدان جهاد شرکت کنند، امّا اگر خود آنان  
داوطلب باشند دلیلی برای ممانعت از آنان وجود  
ندارد، مگر این که شرکت آنان در جهاد اخلاقی در  
نبرد سربازان اسلام وارد آورد که در این صورت  
می توان از آن جلوگیری به عمل آورد.

چنان که اگر دفاع از حریم مقدّس اسلام و  
قرآن و حفظ حوزه اسلام و مجتمع اسلامی متوقّف  
بر وجود افراد نابالغ در صحنه باشد باید از سوی

افراد مکلف، به جنگ و دفاع ترغیب شوند؛ هر چند مورد خطاب هیچ یک از قوانین الزامی اسلام نیستند.

### تعلیمات نظامی برای زن ها

سؤال ۳: سؤال دیگری که در رابطه با جنگ تحمیلی عراق و ایران به وجود آمده بود مسئله تعلیمات نظامی برای زن ها است، و این سؤال برای بعضی به وجود آمده که جهاد در اسلام مخصوص مردان است و بر زن ها جهاد واجب نیست بنابراین چگونه نظام جمهوری اسلامی ایران سعی دارد که حتی زن ها نیز با تعلیمات نظامی آشنا باشند و بتوانند سلاح های روز را به کار ببرند و آمادگی رزمی داشته باشند؟

جواب: در جواب این ایراد باید گفت: آن چه

مسئله است این است که جهاد بر زن ها واجب

دوره هفتم، شماره پانزدهم / ۲۹

نیست، جهاد مسلحانه کاری سخت و دشوار است و با ظرافت و لطافتی که در ساختمان زن در دستگاه آفرینش به کار رفته مغایر است، اما مسأله دفاع بر اضطرار و ناچاری استوار است و باید از هر وسیله ممکن برای ادامه و حفظ حیات استفاده شود، علاوه بر این، زن ها حق دارند از خود دفاع کنند و در صورتی که حمله عمومی به طور ناگهانی از هر جانب علیه اسلام و مسلمانان آغاز شود و طبقه مردان نتوانند به تنهایی شرّ دشمن را دفع کنند زن ها نیز به خود حق می دهند که از خود دفاع کنند امام خمینی (قدس سره) می فرماید: جهاد بر زن ها واجب نیست، ولی دفاع بر هر شخصی، چه مرد و چه زن در حدّ توانایی و امکانات واجب است و چون حمله

دشمن طبق تاکتیک نظامی و توأم با سلاح های روز است، مدافع باید آمادگی قبلی و آشنایی با فنون نظامی و انواع سلاح ها داشته باشد، از این نظر شرکت زن ها در یادگیری تعلیمات نظامی بلاشکال است و طبق عموم مفاد آیه شریفه: «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ» هر چه می توانید در برابر دشمن نیرو تهیه کنید؛ آمادگی رزمی زن ها برای تهیه نیروی دفاعی مطلوب و مرغوب شرع مقدس اسلام است.

اما اصل عدم وجوب جهاد بر زن و شرط ذکوریت برای تکلیف جهاد مطابق ضرورت دین و اتفاق علما و دانشمندان اسلامی و سیره عملی پیامبر اسلام و پیشوایان دین است، پیامبر اسلام هیچ گاه زن ها را در جنگ ها شرکت نمی داد و بعد

دوره هفتم، شماره پانزدهم / ۳۱

از پیامبر نیز زن ها در جنگ ها شرکت نداشتند، اضافه بر این در روایات و احادیث نیز این مطلب بیان گردیده است.

«عَنْ الْأَصْبَغِ بْنِ نُبَاتَةَ قَالَ: قَالَ  
أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (عَلَيْهِ السَّلَام): كَتَبَ اللَّهُ الْجِهَادَ عَلَى  
الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ فَجِهَادُ الرَّجُلِ بِذَلِّ مَالِهِ وَنَفْسِهِ  
حَتَّى فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَجِهَادُ الْمَرْأَةِ أَنْ تَصْبِرَ عَلَى  
مَاتَرِي مِنْ أَدَى زَوْجِهَا وَغَيْرَتِهِ «عِشْرَتَهُ»<sup>۱</sup> وَ فِي  
حَدِيثٍ آخَرَ: وَ جِهَادُ الْمَرْأَةِ حُسْنُ التَّبَعْلِ» از اصبع  
بن نباته از امیر مؤمنان نقل شده است که فرمود:  
خداوند جهاد را بر مردان و زنان نوشته است، پس  
جهاد مرد بذل مال و جان است تا در راه خدا کشته

---

۱. وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۱۵ نقل از کافی.

شود، و جهاد زن آن است که بر آزار و غیرت شوهرش یا معاشرت او صبر کند. و در حدیث دیگر جمله آخر حدیث چنین است: و جهاد زن خوش رفتاری با شوهر است.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله): كَتَبَ اللَّهُ الْجِهَادَ عَلَى رِجَالِ أُمَّتِي وَالْغَيْرَةَ عَلَى نِسَاءِ أُمَّتِي فَمَنْ صَبَرَ مِنْهُنَّ وَاحْتَسَبَ أَعْطَاهَا اللَّهُ أَجْرَ شَهِيدٍ.<sup>۱</sup>

رسول خدا (صلی الله علیه وآله) فرمود: خداوند جهاد را بر مردان امت من و صبر و تحمل بر غیرت مرد را بر زنان امت من نوشته است، پس زنهایی که صبر کنند و در حساب خدا بگذارند، خداوند اجر شهید به آنان اعطا می‌فرماید.



دوره هفتم، شماره پانزدهم / ۳۳

در این روایات (چنان که ملاحظه می شود) در مسأله جهاد، تفاوت میان مردان و زنان قائل شده و جهاد مردان را در میدان رزم و جهاد زن را صبر و تحمل در مقابل ناملایماتی که از شوهر می بیند قرار داده است. بنابراین، معلوم می شود که جهاد مسلحانه تنها وظیفه مردان است، چنان که در حدیث دیگری علی بن طاووس در لهوف نقل کرده که «مادر وهب» در صحنه کارزار ظاهر شد و اباعبدالله الحسین (علیه السلام) به او فرمود: (ای مادر وهب برگرد، جهاد از زن ها برداشته شده و تو و فرزندت با رسول خدا هستی) <sup>۱</sup>.

### جهاد با نهی پدر و مادر

سؤال ۴: آیا فرزند در رفتن به جبهه های جنگ باید از پدر و مادر اجازه بگیرد؟ آیا پدر و مادر می توانند فرزند را از جهاد منع کنند؟ و اگر نهی کردند اطاعت آنان واجب است؟

اینها سؤالی است که در زمان ما مورد ابتلای بسیاری از جوانان است که می خواهند برای دفاع از کیان اسلام و مسلمین به میدان های نبرد علیه دشمن متجاوز مشتاقانه بشتابند، اما مهر و عطوفت پدری و مادری گاهی سد راه این حرکت می گردد و عاشقان شهادت و لقاءالله را مواجه با افسردگی و رنجیدگی خاطر می سازد.

دوره هفتم، شماره پانزدهم / ۳۵

در مقابل این سؤال فتوا و پاسخ رهبر کبیر انقلاب امام خمینی (قدس سره) واضح و روشن است؛ معظم له فرموده اند: افرادی که موظفند تحت عنوان خدمت نظام وظیفه و یا تعیین دیگر به صحنه های جنگ بروند و تکلیف جهاد تعیین پیدا کرده، درباره این گونه افراد ممانعت و نهی پدر و مادر و یا عدم رضایت آنان و یا اذیت شدن آنان تأثیری ندارد و این گونه افراد موظفند، حتی در صورت عدم رضایت و یا ممانعت پدر و مادر نیز به تکلیف خود عمل کنند و از وظیفه سربازی سرباز نزنند.

اما افرادی که مایلند به طور داوطلب در جنگ شرکت کنند، مسئله اذن پدر و مادر اگر چه در رفتن

به جهاد و دفاع شرط نیست، ولی این گونه افراد لازم است وسیله ایذاء و ناراحتی پدران و مادران خود را فراهم نکنند بنابراین می توانیم در مسأله اول، یعنی در صورت معین بودن تکلیف جهاد درباره آنان بگوییم ممانعت پدر و مادر اثری در وجوب انجام وظیفه ندارد، چنان که فقهای عظام دیگر نیز چنین گفته اند؛ صاحب جواهر در کتاب خود می نویسد:

«وَلَوْ كَانَ الْجِهَادُ مُتَعَيَّنًا عَلَيْهِ وَجَبَ عَلَيْهِ الْخُرُوجُ لَهُ مِنْ غَيْرِ اسْتِئْذَانٍ بَلْ وَمَعَ الْمُخَالَفَةِ بِلَا خِلَافٍ أَجِدُهُ فِيهِ كَمَا اعْتَرَفَ بِهِ الْفَاضِلُ إِذْ لَطَاعَةَ لِمَخْلُوقٍ فِي مَعْصِيَةِ الْخَالِقِ، وَ كَذَا فِي جَمِيعِ الْوَاجِبَاتِ»<sup>۱</sup>.

دوره هفتم، شماره پانزدهم / ۳۷

اگر جهاد بر او معین شده باشد واجب است بر او بدون اجازه گرفتن (از پدر و مادر) به جهاد برود، بلکه حتی در صورت مخالفت آنان باید این وظیفه را انجام دهد؛ و در این حکم هیچ اختلافی وجود ندارد، همان طور که فاضل (علامه حلی (رحمه الله)) بدان اعتراف نموده است، زیرا طاعتی برای مخلوق در معصیت خالق نیست و هم چنین است در تمام واجبات.

اما در مسأله دوّم، یعنی در صورتی که رفتن به جهاد واجب عینی درباره شخص نباشد به طوری که یا اصلاً برای او مستحب باشد و تکلیفی درباره جهاد نداشته باشد، و یا واجب کفائی باشد که به حدّ کفایت افرادی به پا خواسته باشند؛ در این صورت

نباید کاری که موجب اذیت والدین شود انجام دهد  
گرچه اذن و اجازه لزومی ندارد. و چون مسأله  
حرمت عقوق والدین از نظر قرآن و احادیث روشن  
است، بلکه جزء ضروریات احکام اسلام شمرده  
می شود، نیازی به بحث در اطراف آن نیست و  
حرمت عقوق در موردی است که جهاد واجب عینی  
نشده باشد. از این نظر امام امت بنیان گذار جمهوری  
اسلامی ایران، امام خمینی (رحمه الله) فرموده اند که  
رضایت پدر و مادر در جهاد شرط نیست ولی اگر  
اذیت می شوند تحصیل رضایت آنان را بنماید.

### رفتن به جبهه جنگ با وجود بدهکاری

سؤال ۵: یکی از سؤال های که برای رزمندگان ما  
پیش می آید این است که افراد، مخصوصاً طبقه

دوره هفتم، شماره پانزدهم / ۳۹

مستضعف معمولاً بدهکاری دارند، و غالباً همین‌ها هستند که به جبهه‌های جنگ می‌شتابند، در این صورت در مقابل بدهکاری‌ها چه وظیفه‌ای دارند؟ آیا با داشتن بدهکاری نمی‌توانند به جبهه‌ها روانه شوند و یا بدهکاری سد راه آنان نیست؟

در پاسخ این سؤال باید گفت: اگر مسأله به این صورت طرح شود که نداشتن قرض یکی از شرایط وجوب رفتن به جهاد است، همان‌طور که بلوغ و قدرت از شرایط است، پاسخ سؤال در این صورت منفی است، یعنی نداشتن بدهکاری مسلماً از شرایط وجوب جهاد نیست، زیرا دلیلی بر این مطلب وجود ندارد، بلکه با داشتن قرض نیز تکلیف جهاد متوجه انسان می‌شود و باید عمل شود، نهایت در صورتی

که شخص می تواند هم به جهاد برود و هم دین خود را ادا کند باید هم هر دو کار را انجام دهد و مسلماً رفتن به جنگ باعث بری شدن ذمه بدهکار نیست، و این مطلب مقتضای قواعد اولیه فقه است، چون اشتغال ذمه مبرء ذمه می خواهد، و مبرء ذمه یا پرداخت دین است و یا ابراء و اسقاط طلبکار، یعنی طلبکار ذمه او را بری کند و راجع به آن اعلام رضایت نماید. و در صورتی که هیچ یک از این دو در کار نباشد عهده داری بدهکار به حال خود باقی است. در روایت مرسله ای چنین آمده است:

«إِنَّ رَجُلًا جَاءَ إِلَى النَّبِيِّ (صلى الله عليه وآله)  
فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ إِنَّ قُتِلْتُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ صَابِرًا



دوره هفتم، شماره پانزدهم / ۴۱

مُحْتَسِبًا تُكْفِرُ عَنِّي خَطَايَ؟ قَالَ: نَعَمْ إِلَّا الدَّيْنَ فَإِنَّ  
جِبْرَائِيلَ (عليه السلام) قَالَ لِي ذَلِكَ»<sup>۱</sup>.

مردی خدمت پیامبر (صلی الله علیه وآله) رسید  
و گفت: یا رسول الله اگر من در راه خدا با صبر و  
شکیبایی کشته شوم و اجر خود را از خدا بخواهم،  
آیا گناهانم جبران می شود؟ پیامبر فرمود: آری، مگر  
بدهکاری، زیرا جبرئیل به من این را گفته است.

بنابراین، در صورت امکان و قدرت هم  
پرداخت قرض واجب است و هم رفتن به جهاد،  
آری اگر قرض مدتی دارد که هنوز مدّت آن نرسیده  
است، در این صورت اگر کسی ضمانت پرداخت آن  
را نموده و یا طلبکار راضی است که مجاهد به جنگ

برود ولو این که موفق به برگشت از جهاد و پرداخت وام نشود، در این صورت نیز بحثی نیست که می تواند به جهاد برود و قرض مانع رفتن به جبهه نیست.

چنان که اگر وام دارای مدّت است و بدهکار توانایی پرداخت آن را داشته باشد و نسبت به آن وصیّت کند که از اموالش پس از کشته شدن پرداخت شود، و یا شاهی برای آن اتخاذ کند که حق طلبکار از بین نرود، در این صورت نیز مزاحمتی بین جهاد و دین نیست، حتّی اگر جهاد درباره او معین نشده باشد می تواند به جهاد برود.

امّا در صورتی که وام دارای مدّت است و هنگام پرداخت آن نرسیده و یا رسیده، ولی مجاهد،

دوره هفتم، شماره پانزدهم / ۴۳

قدرت پرداخت آن را ندارد و نتواند در آینده نیز آن را فراهم کند، قهراً از پرداخت وام معذور است و مانعی در این صورت نیز برای رفتن به جبهه نیست؛ صاحب جواهر در این مورد می گوید:

«اگر زمان پرداخت وام رسیده باشد و بدهکار از پرداخت آن ناتوان باشد، بعضی گفته اند که طلبکار می تواند بدهکار را از رفتن به جبهه ممانعت کند، و ما این قائل را به دست نیاورده ایم... و این قول جداً بعید است، زیرا مقتضی دستورهای عمومی جهاد آن است که به جهاد برود و فرض این است که حق مطالبه با عدم توانایی بدهکار ساقط می شود و

حقی برای او در ذات شخص وجود ندارد(که بتواند  
او رانگه دارد)...<sup>۱</sup> .

بنابراین، وجهی در این صورت برای ممانعت  
از جهاد وجود ندارد.

اما اگر مجاهد، قدرت پرداخت وام را فعلا و  
یا در آینده دارد و رفتن به جنگ باعث تضييع حق  
طلبکار است، و وضع او طوری است که باید یا به  
جهاد برود و یا بماند و دین خود را ادا نماید؛ در این  
صورت اگر جهاد بر او معین شده باشد باید به جهاد  
برود، زیرا جهاد از اهمیّت ویژه ای برخوردار است و  
عزت و شرف و سربلندی اسلام و مسلمانان و امنیّت  
و دفاع از نوامیس اسلام به آن بستگی دارد، از این

دوره هفتم، شماره پانزدهم / ۴۵

رو، باید جهاد را انتخاب کند، همان طور که در  
تزاحم بین دو واجب عقل می گوید باید آن چه  
اهمیت بیش تری دارد انتخاب شود.

چنان که حضرت امام خمینی (رحمه الله)  
می فرمایند: در حال حاضر تمام افراد که قدرت  
دارند به جبهه بروند باید به مقامات مسؤول مراجعه  
نمایند و چنانچه تشخیص دادند که جبهه به آنها نیاز  
دارد واجب است به جبهه بروند و بر هر کار دیگری  
مقدم است و اما اگر جهاد بر شخص تعیین پیدا نکرده  
و درباره او مستحب و یا واجب کفایی است که  
عده ای به مقدار کفایت به منظور آن قیام کرده اند،  
در این صورت باید مکلف سعی کند دین خود را  
پرداخت کند و طلبکار به استناد حقی که بر گردن او

دارد و او نیز تکلیفی به رفتن ندارد می تواند از رفتن او ممانعت کند، چون در این صورت هیچ مانعی در مقابل پرداخت دین که واجب معین و حق الناس است وجود ندارد.

حتّی اگر بدهی دارای مدّتی است که هنوز سرنیامده و با رفتن او به جنگ حق طلبکار از بین می رود و یا در معرض از بین رفتن است باید طبق حکم عقل قدرت خود را برای انجام وظیفه حفظ نماید، و اگر به دست خود، خود را ناتوان ساخت و در وقت عمل عاجز شد هیچ گونه عذری در برابر آن ندارد.

دوره هفتم، شماره پانزدهم / ۴۷

### جهاد و حقوق همسر

از توضیحات و فروعی که درباره جهاد و بدهکاری مطرح شد، مسأله جهاد و حقوق همسر از قبیل مهر و نفقه و حق مضاجعت نیز روشن می شود، زیرا مهر و نفقه در حقیقت یک بدهکاری است که باید شوهر آن ها را پردازد. بنابراین، اگر توانایی مالی دارد و آنها را در عین رفتن به جهاد پرداخت می کند، دیگر تزاممی از این جهت بین جهاد و این حقوق به عمل نمی آید.

چنان که اگر توانایی مالی ندارد و قدرت به پرداختن آنها به هیچ وجه ندارد، خواه به جهاد برود یا نرود باز مانعی از رفتن به جهاد پیش نمی آید، تنها صورت تزامم در جایی است که شوهر از قبیل

کارگر است که باید روزانه تلاش کند و مخارج خانواده خود و مهر زن را تأمین نماید در این صورت باید گفت در صورتی که جهاد و دفاع بر او واجب معین شده باشد بنابراین، هم جهاد بر او واجب است و هم تأمین هزینه زندگی خانواده، و از نظر این که جهاد از اهمّ واجبات اسلامی است باید رفتن به جهاد را مقدّم بردارد؛ اما اگر رفتن به جهاد درباره او واجب معین نباشد در این صورت باید حقوق همسر و فرزندان را محافظت کند و آن ها را مقدّم بدارد.

#### وظیفه حج و جهاد

هنگامی که از بحث های گذشته معیار و قانون کلی دایر شدن امر بین دو واجب روشن شد، نیازی به طرح این مسأله به طور جداگانه به نظر نمی رسد،



دوره هفتم، شماره پانزدهم / ۴۹

ولی برای روشن شدن ذهن خوانندگان باید گفت در مورد حج و جهاد نیز، اگر جهاد واجب کفایی باشد مکلف باید به حج برود، چون حج واجب عینی است، و واجب کفایی نمی تواند با واجب عینی مزاحمت کند.

پایان